

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و پنجم - پاییز ۱۳۹۸

ص: ۱۰۳-۱۳۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۷

فرا تحلیل کیفی پژوهش‌های ناظر بر زمینه‌ها و عوامل تغییرات خانواده ایرانی

حامد نظری^۱

محمد گنجی^۲

اسدالله بابایی فرد^۳

چکیده

خانواده ایرانی طی دهه‌های اخیر بستر تغییرات فراوانی بوده است. این تغییرات در ابعاد مختلف خانواده از جمله بعد خانوار، نرخ ازدواج و طلاق، هدف از ازدواج و ... رخ داده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر تغییرات خانواده براساس پژوهش‌های موجود در این حوزه است. روش انجام این پژوهش مشتمل بر فراتحلیل کیفی و مرور نظام‌مند است. جامعه هدف، کلیه پژوهش‌هایی است که در قالب پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی یا مقالات علمی-پژوهشی به چاپ رسیده‌اند. کدگذاری و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شده است. برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر ۵۷ مورد از پژوهش‌های انجام شده در ایران از سال ۱۳۸۰ به بعد در چهار پایگاه اطلاعات علمی مورد بررسی قرار گرفت. اسناد بررسی شده علاوه بر تحلیل توصیفی مورد ارزیابی انتقادی نیز قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سه عامل اصلی سبب تغییر در خانواده ایرانی شده است: ۱. افزایش تحصیلات و اشتغال زنان سبب ارتقاء جایگاه آنان در هرم قدرت خانواده شده است؛ ۲. فرآیندهای نوسازی سبب تغییرات ارزشی در خانواده ایرانی شده است؛ ۳. پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده بر ارزش‌های اعضای آن اثرگذار است. در انتهای نیز یک جمع‌بندی و ارزیابی انتقادی از اندوخته دانش موجود در حوزه مطالعات خانواده در ایران ارائه شده است و نقاط خلاء در این حوزه که نیازمند پژوهش بیشتر است شناسایی شده است.

واژگان کلیدی: خانواده ایرانی، ساختار قدرت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، مدرنیزاسیون، فراتحلیل

کیفی

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

۳. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

مقدمه

مطالعات خانواده در جهان طی چند دهه اخیر دستاوردهای شگرفی داشته‌اند؛ این مطالعات در جهت شناسایی ماهیت، شکل و انواع خانواده برآمده‌اند؛ علاوه بر این، یافته قابل توجهی که این مطالعات داشته‌اند پاسخ به این پرسش اساسی بوده است که چه عواملی بر تغییرات خانواده اثرگذار بوده‌اند. متفکران مختلف دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با نهاد خانواده ارائه کرده‌اند، اما نقطه مشترک همه آنها این مهم است که خانواده مفهومی سیال است و ارائه تعریفی واحد از آن در دنیای مدرن اگر نه غیرممکن، بسیار دشوار خواهد بود. از این رو، برخی از متفکران تعریف کلاسیک گئورگ مورداک^۱ از خانواده را به چالش می‌کشند. مورداک خانواده را به‌عنوان یک گروه اجتماعی تعریف می‌کند که دارای مشخصاتی نظیر محل سکونت مشترک، همکاری اقتصادی و بازتولید نسلی است و شامل دو بزرگسال از دو جنس مخالف است - یعنی حداقل دو نفری که دارای روابط جنسی به لحاظ اجتماعی تأیید شده باشند - که یک یا بیش از یک فرزند داشته باشند، چه فرزند خودشان و چه فرزندخوانده باشد. امروزه این تعریف با تجربه زندگی خانوادگی بسیاری از افراد سازگار است اما همه افراد را در بر نمی‌گیرد. تعریف مورداک تعریف خانواده هسته‌ای است و بسیاری از انواع خانواده و زندگی مشترک در دنیای امروز را در بر نمی‌گیرد. امروزه روابط زناشویی تحت تأثیر تحولات در سایر بخش‌های جامعه قرار گرفته است و اشکال مختلفی پذیرفته است. امروزه بسیاری از زن و شوهرهای شاغل در سراسر جهان مجبورند در نقاطی بسیار دور از یکدیگر و حتی در کشورهای متفاوت زندگی کنند. در کشورهای جهان سوم نیز مردان از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند و دور از خانواده به کار مشغول می‌شوند. بنابراین حتی محل سکونت واحد را نمی‌توان معیاری اصلی در تعریف خانواده در نظر گرفت (چیل، ۱۳۸۸: ۳۹ و ۴۰). بنابراین، می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی خانواده طی دهه‌های اخیر تغییر و تحول در شکل خانواده، ماهیت روابط زناشویی و هدف از ازدواج بوده است.

خانواده ایرانی نیز از قاعده تغییر و تحول مستثنا نبوده است؛ طی چند دهه اخیر تغییر و تحولات بااهمیتی در خانواده ایرانی رخ داده است. بررسی آمارهای موجود در رابطه با جمعیت و خانوار پشوانه لازم برای شناخت تغییرات را فراهم می‌آورد. آمارها نشان می‌دهند که بعد خانوار در سال‌های اخیر همواره رو به کاهش بوده است. در استان‌های بزرگ کشور مانند استان تهران، البرز، مازندران و گیلان این نرخ برابر با ۳٫۱ برای تهران و البرز و ۳ برای مازندران و گیلان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۳). اگر این آمارها را در کنار آمارهای ازدواج و طلاق قرار دهیم، تغییرات رخ داده در خانواده روشن‌تر می‌شود. طی سال‌های اخیر نرخ رشد ازدواج همواره منفی بوده است و این رشد منفی نیز همواره رو به افزایش بوده؛ برای مثال نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ برابر با (۴٫۹-) است؛ این

1 George Murdock

عدد در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ برابر است با (۹,۴-) است. از سوی دیگر، تعداد طلاق طی سال‌های اخیر همواره رو به افزایش است. این بدین معناست که در کشور تعداد کمتری از افراد ازدواج می‌کنند و تعداد زیادی از زوجها از یکدیگر جدا می‌شوند.

آمارهای موجود نشان‌دهنده تغییرات بااهمیتی در خانواده و روابط زناشویی است. اگر در گذشته یکی از کارکردهای مهم خانواده و ازدواج، فرزندآوری بوده است (نگاه کنید به بعد خانوار در سال ۱۳۶۵ که ۵,۱ بوده و در سال ۱۳۷۵ که ۴,۸ بوده است و در سال ۱۳۹۵ که به ۳,۳ رسیده است)، امروزه این کارکرد خانواده تضعیف شده است. امروزه افراد با الگوها و اهداف متفاوتی ازدواج می‌کنند. آمارهای مربوط به ازدواج و طلاق و کاهش اختلاف سنی زوجین در زمان ازدواج نیز تأییدکننده تغییر الگوی روابط زناشویی است. آمارهای ازدواج ثبت شده در سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی ازدواج مربوط به زوجینی است که صفر تا دو سال با هم اختلاف سنی دارند. این در حالی است که دهه‌های گذشته همواره مردان با زنانی ازدواج می‌کردند که حداقل چهار یا پنج سال از آن‌ها جوان‌تر باشند. این تغییر در الگوی ازدواج نشان می‌دهد که مردان نیز دیگر تمایلی به ازدواج با زنانی که تنها کارکرد فرزندآوری داشته باشند، ندارند. زنان نیز صرفاً چنین وظیفه‌ای را برای خود قائل نیستند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهم‌ترین تغییرات خانواده مربوط به هدف/ازدواج است.

با توجه به توضیحات ارائه شده روشن است که خانواده ایرانی تغییرات بااهمیتی در حوزه ابعاد مختلف داشته است. از سوی دیگر، در کشور ما پژوهش‌های متعددی در حوزه مطالعات خانواده با رویکردی جامعه‌شناختی به انجام رسیده است. انجام یک فرا تحلیل کیفی این ظرفیت را ایجاد می‌نماید تا شناخت جامعی از مسئله مورد پژوهش فراهم آید. علاوه بر این، با استفاده از این روش می‌توان مهم‌ترین تغییرات خانواده، زمینه‌های شکل‌گیری این تغییرات را یافت. انجام یک فرا تحلیل کیفی این امکان را فراهم می‌آورد که به شناخت خلاءهای دانش موجود در حوزه مطالعات خانواده دست یابیم و به ارزیابی انتقادی پژوهش‌های موجود برسیم. از این رو، با توجه به اینکه کمتر پژوهشی به فرا تحلیل مطالعات خانواده ایرانی پرداخته است و همچنین پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از روش فرا تحلیل کیفی و مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تغییرات خانواده ایرانی چه بوده است؟

مروری بر ادبیات نظری

همان‌طور که پژوهش‌های تجربی در حوزه جامعه‌شناسی خانواده گستردگی قابل توجهی دارد، تلاش‌های نظری برای تبیین مسائل، تغییرات و تحولات خانواده نیز طیف وسیعی را شامل می‌شوند.

نظریه‌های کارکردگرایانی چون تالکوت پارسونز^۱ و هلموت شلسکی^۲ امروزه تبدیل به دیدگاه‌هایی کلاسیک در این حوزه تبدیل شده‌اند. متفکران فمینیست جسی برنارد^۳ یا دورتی اسمیت^۴ نیز تلاش کرده‌اند ماهیت خانواده و جایگاه زنان در نظم اجتماعی را به نقد بکشند. متفکران متأخری چون دیوید چیل^۵ و گری بکر^۶ نیز دیدگاه‌های جالب توجهی در این حوزه طرح کرده‌اند. در ادامه سعی شده است نظریات کارکردگرایان، فمینیست‌ها و متفکران متأخر در رابطه با خانواده به اختصار شرح داده شود.

کارکردگرایی پارسونز: از نظر پارسونز وظیفه جامعه شناسی فهم این مسئله است که نهادهای گوناگون مانند خانواده، کلیسا و ... چه کارکردی دارند و در بقای جامعه به مثابه یک کل چه نقشی ایفا می‌کنند (Parsons, 2005). از نظر پارسونز فرایند توسعه صنعتی به بروز تفکیک در خانواده منجر شده و در نتیجه، تمام کارکردهای اقتصادی و آموزشی خانواده بین خانواده و دیگر نهادها تقسیم شده است. تنها کارکرد مهمی که همچنان باقی مانده فراهم آوردن عوامل جامعه‌پذیری کودکان و مهم‌تر از همه، شرایط کسب تعادل روانی برای بزرگسالان است. از نگاه پارسونز، تثبیت شخصیت بزرگسالان اشاره دارد به نقشی که خانواده در مواجهه با فشارهای روان‌شناختی زندگی روزمره ایفا می‌کند، فشارهایی که بالقوه می‌توانند شخصیت بزرگسالان را بی‌ثبات کنند. تثبیت شخصیت از حمایت عاطفی متقابل که زوج ازدواج کرده به یکدیگر عرضه می‌کنند و نیز از نقش پدر و مادری ناشی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۹: ۶۹؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۵). علل تزلزل خانواده از نظر پارسونز این است که فرایند توسعه صنعتی به بروز تفکیک در خانواده منجر شده است و علت این تحول نخست جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته‌ای کوچک بوده است. در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرفی بدل شده است. تمام عملکردهای اقتصادی و آموزشی خانواده، بین خانواده و دیگر نهادها تقسیم شده است و تنها کارکرد مهمی که باقی مانده فراهم آوردن عوامل جامعه‌پذیری کودکان و برتر از همه، شرایط کسب تعادل روانی برای بزرگسالان است (سگالن، ۱۳۹۳: ۲۵۴).

نظریه‌های فمینیستی: فمینیست‌ها جدی‌ترین نقدها را به جامعه‌شناسی خانواده کارکردگرایانه وارد کرده‌اند. تقسیم کار جنسیتی در خانواده با در نظر گرفتن نقش حمایتگری برای زنان و نقش نان‌آوری برای مردان تعریف می‌شود. قلمرو خانه، کار خانگی و مراقبت را به جنس زن نسبت می‌دهد و قلمرو بیرون خانواده را مربوط به مردان می‌داند و وظیفه نان‌آوری و کار مزدی را به آنان نسبت می‌دهد.

1 Talcott Parsons
2 Helmut Schelsky
3 Jessie Bernard
4 Dorothy Smith
5 David Cheal
6 Gary Becker

کارکردگرایی همچون پارسونز، تقسیم کار بر مبنای جنس در خانواده را، به نام «شایستگی زیستی بیشتر زنان برای مراقبت از دیگران» مطرح می‌کنند و آن را متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده‌ای کارا و باثبات می‌دانند (گرت، ۱۳۸۰: ۷۴). فمینیست‌ها خواهان این هستند که درستی تاریخی دو عنصر اساسی در تقسیم کار جنستی بررسی شود. اول، فرض عدم مشارکت اقتصادی زنان در خانواده: مشخص شده است که زنان همیشه از طریق کار مزدی هم در درون و هم بیرون خانه در اقتصاد خانواده مشارکت داشته‌اند (Spitze, 1988). دومین فرض در اسطوره مرد نان‌آور^۱ نهفته است. در این برساخت اجتماعی مردان به عنوان کارکنان مزدی در نظر گرفته می‌شوند و زمان قابل توجهی را در بیرون از خانه سپری می‌کنند تا با کسب درآمد از اعضای بیکار خانواده حمایت کنند. اما این فرض، پدیده‌ای است که بیشتر مربوط به دوره اخیر صنعتی شدن است. برخلاف تصور رایج، ارتباط اجتماعی بین مردانگی و نقش نان‌آوری پدیده‌ای است جدید نه امری سنتی (Bernard, 1981; Connell and Lee, 1987).

متفکران متأخر: متفکران متأخر دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با تحولات خانواده دارند. به نظر دیوید چیل تحولات در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب شکل‌گیری انواع گوناگونی از خانواده شده است که دیگر نمی‌توان تعریف ثابتی را به آنها اطلاق کرد. دیگر نمی‌توان خانواده را به سه نوع ساده هسته‌ای، گسترده و چندهمسری طبقه‌بندی کرد. پیچیدگی زندگی امروزی سبب شده است تا انواع گوناگونی از خانواده بوجود آید. خانواده‌های تک‌والدی، مسئله همجنس‌گرایی و زوج‌های همجنس خواه، زوج‌هایی که دور از هم کار و زندگی می‌کنند، همگی سبب شکل‌گیری انواع جدیدی از زندگی مشترک شده است که در قالب تعاریف کلاسیک نمی‌گنجد (لیبی، ۱۳۹۳: ۵۴۸-۵۵۱). گری بکر اما در نظریه‌هایش به زندگی مشترک مشابه با نظریه‌های اقتصادی در مورد بنگاه‌های تجاری نگاه می‌کند. مطابق نظریه او افراد به دنبال همسری هستند که بیشترین فایده را برای آنها داشته باشد. از دید بکر، اقتصاددانان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی به موازات افزایش انتخاب‌های افراد، به تحلیل و بررسی شریک زندگی بودن، والد بودن و مراقبت از سالخورده‌گان پرداخته‌اند. همچنان که خانواده‌ها ناهمگن و کمتر با ثبات شده‌اند، مدل‌های مربوط به اقتصاد خانواده‌ها پیچیده‌تر شده‌اند و تلاش می‌کنند تا طیفی گسترده از حالت‌ها و شیوه‌های خانوادگی و مسیرهایی از چرخه زندگی را بحساب آورند (Lundberg and Pollak, 2007, 23).

روش‌شناسی

روش انجام پژوهش: فراتحلیل کیفی و مرور نظام‌مند

به‌طور کلی هدف از انجام فراتحلیل، «تلخیص نتایج حاصله در پژوهش‌های متعدد است» (Baus, 2002, 2). از زمان انتشار کتاب «فراتحلیل در تحقیقات اجتماعی» (گلاس و همکاران، ۱۹۸۱) و «روش‌های آماری در فراتحلیل» (هدجس و اولکین، ۱۹۸۵) در اوایل دهه ۱۹۸۰، روش فراتحلیل در مجامع علمی پذیرشی عمومی یافته است. بر این مبنای فراتحلیل به‌عنوان یک رویکرد روش‌شناسی ارجح در مرور کمی مطالعات پژوهشی، در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری به کار گرفته شده است (به نقل از ایزانلو و حبیبی، ۱۳۹۰: ۸۲). اندازه‌گیری تغییرپذیری موجود در نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده از مهم‌ترین اهداف پژوهشگران در توسعه روش‌شناسی فراتحلیل است تا بر اساس اطلاعات حاصله از آن بتوان خلاصه‌ای کلی و آماری از نتایج پژوهش‌ها ارائه داد و از طرفی با تعیین متغیرهای موجود در پژوهش‌ها، تغییرات موجود در بین یافته‌های پژوهش‌های متعدد را تبیین کرد.

همان‌طور که اشاره شد فراتحلیل دربرگیرنده ترکیب گزارش‌ها و نتایج پژوهش‌های مشابه، استخراج و جدول‌بندی فراوانی مشخصات پژوهش‌ها و بررسی روابط آماری میان متغیرهای پژوهش‌ها است. باید توجه داشت که در فراتحلیل‌هایی که با رویکرد کیفی انجام می‌شوند بیشتر از آمار توصیفی استفاده می‌شود. مشخص کردن فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، ترسیم نمودارهای میله‌ای و دایره‌ای برای نمایش نتایج از ارکان مهم این نوع پژوهش‌های محسوب می‌شوند (Wolf, 1986, 123-4).

روش اصلی برای مرور پژوهش‌های انجام شده در حوزه خانواده، «مرور نظام‌مند»^۱ خواهد بود. در بررسی‌های نظام‌مند، پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع خاص به‌طور مختصر و مفید در اختیار قرار می‌گیرد و برخلاف رویکرد سنتی، از اصول دقیقی پیروی می‌کند. در این روش برای انجام پژوهش یک فرم طراحی می‌شود و طی این پروتکل است که روش انجام پژوهش مشخص می‌گردد (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۵). این روش از لحاظ نوع توسعه‌ای و از لحاظ روش‌شناختی در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. در این روش به‌جای جامعه آماری از منابع آرشویی به‌عنوان واحد مشاهده و تحلیل استفاده می‌شود.

نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش واحد اصلی مشاهده پژوهش‌های انجام شده در قالب پایان‌نامه و مقاله علمی-پژوهشی است. جستجوی پایان‌نامه‌ها و مقالات با استفاده از سایت‌های IranDoc.com، Magiran.com، Ensani.ir و Sid.ir انجام گرفته است. بنابراین، جامعه هدف این پژوهش

پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی-پژوهشی است. در این مطالعه تمامی مستندات بدون نمونه‌گیری و صرفاً با استفاده از غربالگری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. علاوه بر این در بررسی پایان‌نامه‌ها سعی شده است عمدتاً از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها دانشگاه‌های تراز اول کشور استفاده شود. معیار انتخاب مقالات نیز چاپ آن‌ها در نشریات علمی-پژوهشی بوده است. در انتخاب مقالات و پایان‌نامه‌ها تلاش شده است بر مستنداتی تأکید شود که مسئله مورد نظر را با رویکردی جامعه‌شناختی تحلیل کرده‌اند. برای انجام دقیق فراتحلیل کیفی و مرور نظام‌مند و همچنین مقایسه پژوهش‌های پیشین در مقولات مذکور نیاز به کدگذاری داده‌ها در اسناد مختلف وجود داشت؛ بدین منظور از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA استفاده شده است. استفاده از این نرم‌افزار علاوه بر اینکه امکانات بسیاری را برای تحلیل فراهم می‌آورد، کدگذاری را نیز دقیق‌تر می‌کند و از اشتباهات پژوهشگر جلوگیری می‌نماید. بنابراین روش مرور نظام‌مند با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA ساماندهی شده است. به‌منظور افزایش دقت در تحلیل‌های توصیفی و ترسیم جداول و نمودارها نیز از نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

سیمای آماری اسناد بررسی شده

با در نظر داشتن هدف این پژوهش، جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی آغاز گردید. جستجو در پایان‌نامه‌ها به صورت عام و با استفاده از کلید واژه «خانواده» انجام شده است که تعداد ۱۷۶۸۲ سند در اختیار قرار گرفت. فیلتر اسناد براساس پایان‌نامه‌های مربوط به رشته جامعه‌شناسی و دانشگاه‌های تراز اول صورت گرفت که تعداد اسناد به ۹۸ مورد تقلیل یافت. تمام این ۹۸ سند مورد بررسی قرار گرفت و از میان آن‌ها تعداد ۱۳ سند متناسب با موضوع و هدف پژوهش حاضر تلقی گردید و به مرور نظام‌مند در این بخش وارد شد. در رابطه با مقالات علمی-پژوهشی نیز همین فرآیند دنبال شد و جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی با استفاده از کلید واژه «خانواده» صورت گرفت که در مرحله اول ۷۱۳ مقاله شناسایی شد و در غربال نهایی تعداد ۴۴ سند برای انجام مرور نظام‌مند باقی ماند. جدول زیر تعداد اسناد بررسی شده را به تفکیک نوع سند آن نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد اسناد مورد بررسی به تفکیک نوع سند^۱

تعداد کل	تعداد اسناد به تفکیک نوع		مرحله
	پایان نامه تحصیلات تکمیلی	مقاله علمی-پژوهشی	
۸۱۱	۹۸	۷۱۳	غربال اولیه
۵۷	۱۳	۴۴	غربال نهایی
۵۷	جمع اسناد وارد شده به مرور نظام مند در پژوهش حاضر		

شیوه استخراج مفاهیم و تعداد آنها

پیش از این نیز ذکر شد که برای بررسی پژوهش‌های داخلی در مجموع تعداد ۵۷ سند شامل مقالات علمی-پژوهشی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. برای تجزیه و تحلیل اسناد از روش کدگذاری استفاده شده است. تمام این اسناد در دو الی سه مرحله کدگذاری شده‌اند. در مرحله اول از کدگذاری سعی شده است مضامین عمده در هر پژوهش استخراج شوند. در مرحله بعدی تلاش شده است مفاهیم و مضامین طبقه‌بندی شوند. جدول زیر تعداد کدهای باز استخراج شده در هر یک از محورهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: تعداد کدهای باز (مفاهیم) استخراج شده

تعداد کدهای باز (مفاهیم)	محور
۵۷	جنسیت پژوهشگر
۴۲	توزیع جغرافیایی
۵۷	سال انجام پژوهش‌ها
۵۷	موضوع و مسئله اصلی
۳۳	چارچوب نظری
۵۷	روش‌شناسی
۵۰	یافته‌های اصلی
۳۵۳	جمع کل

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مفاهیم استخراج شده ذیل هفت محور اصلی طبقه‌بندی شده‌اند؛ در ادامه تلاش شده است یافته‌های بدست در رابطه با هر یک از هفت محور مذکور ارائه گردد.

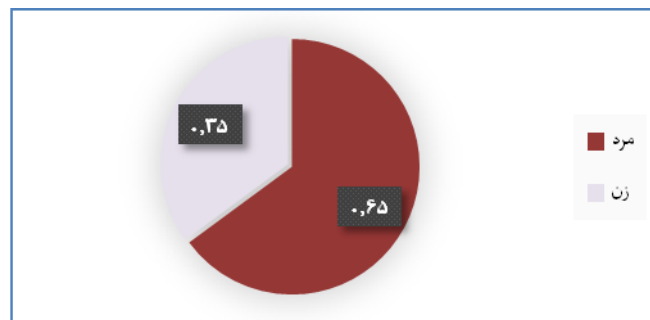
۱ لیست کامل مقالات و پایان‌نامه‌های بررسی شده در بخش پیوست ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در هفت محور اصلی ارائه خواهد شد که عبارت‌اند از: جنسیت پژوهشگر، توزیع جغرافیایی، محدود زمانی، موضوع و مسئله اصلی، چارچوب نظری پژوهش‌ها، روش‌شناسی استفاده شده برای انجام پژوهش و نهایتاً یافته‌های اصلی پژوهش‌ها. لازم به توضیح است که برای توصیف داده‌ها از جداول توزیع فراوانی، فراوانی درصدی و نمودارها استفاده شده است. در ادامه به شرح یافته‌های پژوهش در هر محور پرداخته شده است.

۱. جنسیت پژوهشگر

نمودار زیر جنسیت پژوهشگرانی که پژوهش آنها در فرا تحلیل وارد شده است را نشان می‌دهد. لازم به توضیح است که در برخی از مقالات که نویسنده مسئول مشخص نشده است، نام اولین نفر به‌عنوان نویسنده مسئول تلقی شده است و در پایان‌نامه‌ها نیز دانشجو به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته شده است.

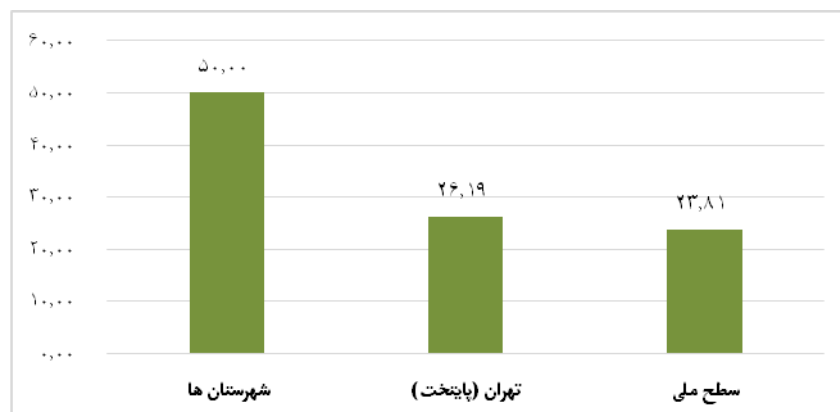


نمودار ۱: جنسیت پژوهشگر

همان‌طور که در نمودار فوق مشخص شده است ۶۵ درصد از پژوهشگران مرد هستند و ۳۵ درصد مابقی زن هستند. این نشان می‌دهد که پژوهش‌های مربوط به خانواده بیشتر توسط مردان انجام شده است.

۲. توزیع جغرافیایی

نمودار زیر محدوده مکانی که پژوهش در آن تولید شده است را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که برای بررسی محدوده جغرافیایی، پژوهش‌هایی که با استفاده از روش‌های کیفی، پیمایش و تحلیل ثانویه انجام شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش‌هایی که در زمره مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده‌اند از این بررسی حذف شده‌اند.



نمودار ۲: توزیع جغرافیایی پژوهش‌های انجام شده

توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها در سه دسته کلی طبقه‌بندی شده است: ۱. پژوهش‌هایی که جامعه هدف آنها استان تهران بوده است، ۲. پژوهش‌هایی که در شهرستان‌ها انجام شده‌اند و ۳. پژوهش‌هایی که در سطح ملی به انجام رسیده‌اند. نمودار فوق نشان می‌دهد که بیشترین سهم متعلق به پژوهش‌هایی است که در شهرستان‌ها انجام شده‌اند (۵۰ درصد). علی‌رغم اینکه شهر تهران بستر تغییراتی گسترده طی چند دهه اخیر بوده است و آمارها نیز نشان می‌دهد که خانواده تهرانی بستر تغییرات گسترده‌ای بوده است، اما پژوهش‌هایی که پایتخت انجام شده‌اند حدود نیمی از پژوهش‌هایی هستند که در شهرستان‌ها به انجام رسیده‌اند.

۳. محدوده زمانی

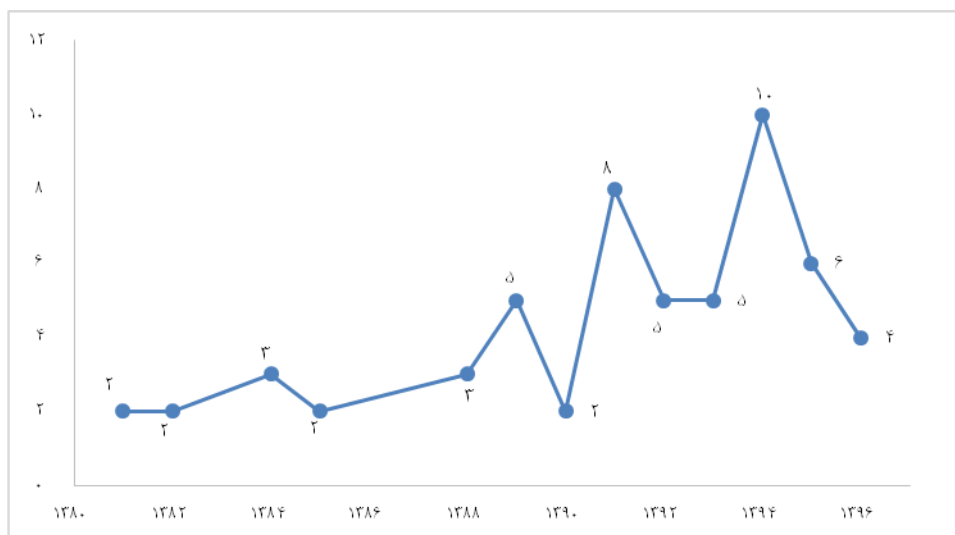
جدول زیر فراوانی پژوهش‌های انجام شده در هر سال را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد در چه سال‌هایی بیشترین پژوهش‌ها با محوریت مسائل خانواده انجام شده‌اند.

جدول ۳: فراوانی سال انجام پژوهش‌های مرور شده

فراوانی درصدی	فراوانی	سال انجام
۳,۵۱	۲	۱۳۸۱
۳,۵۱	۲	۱۳۸۲
۵,۲۶	۳	۱۳۸۴
۳,۵۱	۲	۱۳۸۵
۵,۲۶	۳	۱۳۸۸
۸,۷۷	۵	۱۳۸۹
۳,۵۱	۲	۱۳۹۰
۱۴,۰۴	۸	۱۳۹۱
۸,۷۷	۵	۱۳۹۲
۸,۷۷	۵	۱۳۹۳
۱۷,۵۴	۱۰	۱۳۹۴
۱۰,۵۳	۶	۱۳۹۵
۷,۰۲	۴	۱۳۹۶
۱۰۰	۵۷	جمع
۰,۰۰	۰	از دست رفته
۱۰۰	۵۷	جمع (معتبر)

همان‌طور که در جدول فوق مشخص شده است، بیشترین فراوانی پژوهش‌های بررسی شده مربوط به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ است. حدود یک‌سوم (۳۱,۵ درصد) از مجموع پژوهش‌های بررسی شده در دو سال مذکور انجام شده‌اند. آمارهای مربوط به ازدواج و طلاق نیز در این سال‌ها بیشترین نوسان را نشان می‌دهد و از این رو به‌نظر می‌رسد نسبت میان تغییرات مسائل خانواده در واقعیت با دغدغه‌های علمی و پژوهشی در این حوزه نسبتی مستقیم است.

نمودار خطی توزیع مقالات از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۹۶ طی حدود دو دهه به‌صورت شکل زیر است.



نمودار ۳: محدوده زمانی پژوهش‌های بررسی شده

۴. موضوع و مسئله اصلی پژوهش‌ها

در جدول زیر فراوانی کدهای استخراج شده به لحاظ موضوع محوری هر یک از پژوهش‌ها ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد کانون اصلی تمرکز و مسئله اصلی مورد مطالعه در پژوهش‌های مرور شده کدام‌اند.

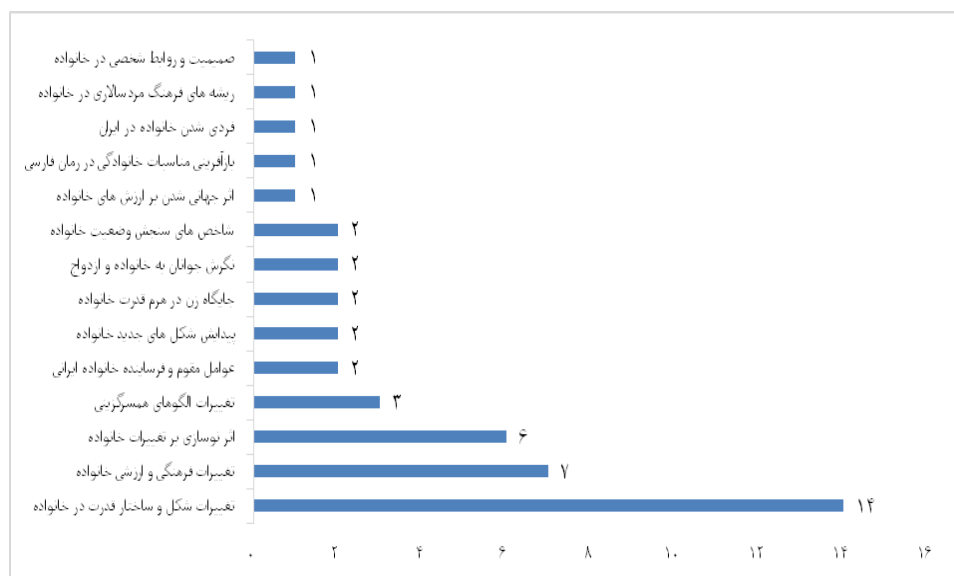
جدول ۴: فراوانی موضوع محوری پژوهش‌های مرور شده

موضوع محوری	فراوانی
تغییرات خانواده	۴۵
حقوق خانواده	۸
سیاست‌گذاری در حوزه خانواده	۴
جمع	۵۷

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین پژوهش در حوزه مطالعات خانواده ناظر به بررسی مسئله تغییرات خانواده ایرانی است. نکته دیگر اینکه، اکثر پژوهش‌هایی که در حوزه حقوق خانواده انجام شده‌اند توسط دانش‌آموختگان و دانشجویان رشته حقوق به انجام رسیده است و کمتر پژوهشی در حوزه حقوق خانواده یافت می‌شود که با رویکردی جامعه‌شناختی به انجام رسیده باشد. در

این میان نحیف‌ترین حوزه مطالعاتی نیز پژوهش‌هایی هستند که با هدف بررسی یا نقد سیاست‌گذاری در حوزه خانواده به انجام رسیده‌اند.

در هر یک از سه محور فوق‌الذکر مجموعه مسائلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه شرح داده می‌شوند. نمودار زیر نشان می‌دهد که در محور تغییرات خانواده چه مسائلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



نمودار ۴: مسائل بررسی شده در محور تغییرات خانواده

نمودار فوق به وضوح نشان می‌دهد که در حوزه تغییرات خانواده سه مسئله محوری طرح شده است: اولین مسئله که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، مسئله تغییر شکل و ساختار قدرت در خانواده است. مطالعه ساختار قدرت در خانواده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهش‌های مرور شده بوده است. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های محمدی (۱۳۹۳)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۴)، جنادله و رهنما (۱۳۹۳) و احمدی و دیگران (۱۳۹۱) اشاره نمود. دومین مسئله مربوط به تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به بررسی این مسئله پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش‌های سرایی (۱۳۸۵) و آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹) اشاره کرد. سومین مسئله نیز ناظر به تأثیر نوسازی (مدرنیسم) بر تغییرات خانواده بوده است. مهم‌ترین پژوهش‌ها در رابطه با این مسئله عبارت‌اند از: پژوهش‌های زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲)، محمدپور و دیگران (۱۳۸۸ الف)، شکوری و

آزاد ارمکی (۱۳۸۱). در ادامه تلاش شده است به صورت مختصر به توضیح هر یک از سه مسئله فوق پرداخته شود.

تغییر شکل و ساختار قدرت در خانواده: پژوهشگرانی که این مسئله را کانون مطالعه خود قرار داده‌اند، عمدتاً بر این باور هستند که ساختار قدرت در روابط زناشویی تغییر کرده است و در صد هستند ماهیت این تغییرات و عوامل مؤثر بر این تغییرات را شناسایی نمایند. اگر در گذشته پدرسالاری ویژگی اصلی خانواده بود، امروزه به نظر می‌رسد نظام تصمیم‌گیری و تقسیم جنسیتی نقش‌ها و وظایف در خانواده تغییر کرده است و خانواده در جهت ایجاد روابط و تعاملاتی برابری خواهانه و دموکراتیک حرکت کرده است. امروزه وضعیت زنان به لحاظ تحصیلی، اقتصادی و اشتغال، حقوقی و اجتماعی تغییرات گسترده‌ای داشته است و از این رو سبب شده است که روابط زناشویی و به تبع آن ساختار قدرت در خانواده متأثر گردد. از این رو، رصد این تغییرات و شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر آنها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است در مطالعات خانواده ایرانی مورد توجه پژوهشگران بوده است.

تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده: پژوهشگرانی که به بررسی مسئله تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده پرداخته‌اند، معتقدند که خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه ایرانی است و در واقع تغییرات نظام اجتماعی همواره یا به واسطه خانواده صورت گرفته است یا جهت‌گیری آنها به سوی خانواده بوده است. بنابراین، ضرورت دارد تغییرات خانواده به‌ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی آن مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، شناخت تغییرات ارزشی میان نسل‌ها می‌تواند بر شناسایی ویژگی‌های کنش‌های فرزندان و والدین در درون خانواده اثر بگذارد. از این رو، شناسایی ویژگی‌ها و جهت تغییرات فرهنگی و ارزشی یکی دیگر از کانون‌های مطالعه در پژوهش‌های حوزه خانواده بوده است.

اثر نوسازی بر تغییرات خانواده: اثر نوسازی بر خانواده ایرانی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که توجه پژوهشگران در حوزه مطالعات خانواده را به خود جلب کرده است. جامعه ایرانی طی پنج دهه گذشته همواره با فرایندهای نوسازی و تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی از جمله اصلاحات ارضی، شهرنشینی و مهاجرت، وسایل جدید ارتباط جمعی و توسعه نهادهایی مثل آموزش و دانشگاه و مواردی از این قبیل مواجه بوده است. تمامی این فرایندها و تغییرات بر خانواده اثرگذار بوده است و سبب بروز تغییراتی در شئون مختلف آن شده است. بنابراین مطالعه تأثیر مدرنیته و مدرنیزاسیون بر خانواده ایرانی یکی دیگر از محورهای اصلی پژوهشگرانی بوده است که به مطالعه تغییرات خانواده علاقه‌مند بوده‌اند.

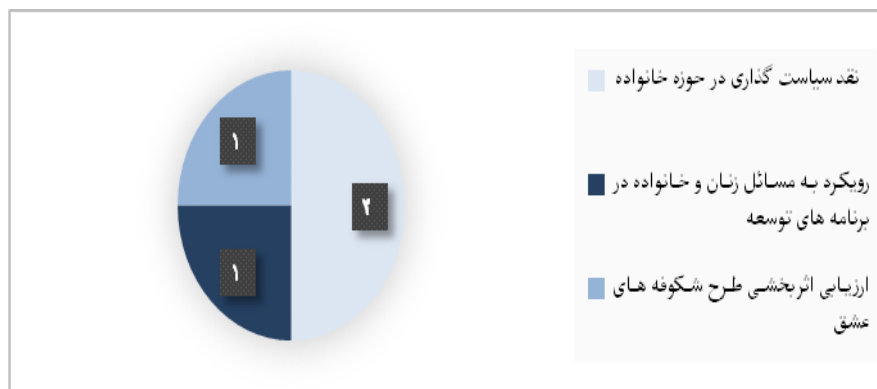
همانطور که پیش از این ذکر شد از مجموع ۵۷ مطالعه مرور شده در پژوهش حاضر، هشت مورد به مطالعه حقوق خانواده پرداخته‌اند. مهم‌ترین مسائلی که در این محور بررسی شده‌اند در قالب جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۵: مسائل بررسی شده در حوزه حقوق خانواده

فراوانی	مسئله مورد بررسی
۱	سنجش آگاهی حقوقی زنان از قوانین خانواده
۱	دسترسی زنان به عدالت خانوادگی در نظام قضایی
۱	نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
۱	واکاوی موازین بین‌المللی حقوق خانواده
۱	شناسایی الگوهای حقوقی اداره خانواده
۱	تغییرات در فلسفه حقوق خانواده
۱	نقد تسهیل طلاق در حقوق خانواده
۱	بررسی تحولات در حقوق خانواده افغانستان
۸	جمع
۰	از دست رفته
۸	جمع (معتبر)

همانطور که در جدول فوق مشخص شده است مسائلی که در حوزه حقوق خانواده مطرح شده‌اند دارای نسبت برابر هستند. اما مهم‌ترین ویژگی این پژوهش‌ها این است که اکثر آنها در رشته حقوق به انجام رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی حقوق یکی از حوزه‌های مغفول در جامعه-شناسی ایران است. در میان پژوهش‌های مرور شده تنها پژوهش قاسمی و عمرانیان (۱۳۹۱) است که به سنجش آگاهی حقوقی زنان از قوانین خانواده پرداخته است و این موضوع را با رویکردی جامعه‌شناسانه بررسی کرده است. پژوهش دیگری که رویکردی جامعه‌شناسانه دارد، رساله دکتری همدانیان (۱۳۹۶) است که به بررسی دسترسی زنان به عدالت خانوادگی در نظام قضایی ایران پرداخته است. هیچ‌کدام از این دو مطالعه نیز رویکرد جامعه‌شناسی حقوق نداشتند.

سومین محور مورد بحث در پژوهش‌های بررسی شده به محور سیاست‌گذاری در حوزه خانواده مربوط می‌شود. پیش از این ذکر شد که چهار پژوهش در رابطه با این محور مورد بررسی قرار گرفته‌اند که مسئله اصلی آنها در قالب نمودار زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۵: مسائل بررسی شده در حوزه سیاست گذاری خانواده

همان طور که در فوق مشخص شده است از میان چهار پژوهش بررسی شده، دو مورد به نقد سیاست گذاری در حوزه خانواده پرداخته است. این دو مورد عبارتند از: پژوهش قانعی راد و عزلتی مقدم (۱۳۸۹) و پژوهش حسینی و عزیزی (۱۳۹۴). در پژوهش اول مسئله اصلی این است که چگونه سیاست گذاری در حوزه خانواده سبب بحران ازدواج و خانواده شده است و از این رو در صدد است تا دیدگاهها و تشخیص های بخش عمومی در حوزه خانواده را نقد کند و نشان دهد چگونه این سیاستها سبب تداوم بحران های موجود در خانواده شده است. دومین پژوهش نیز مسئله ای مشابه را پیگیری کرده است. این دو پژوهش در میان تعداد کثیری پژوهش که در حوزه خانواده انجام شده اند تنها نمونه هایی هستند که سیاست گذاری در حوزه خانواده را مطرح نظر قرار داده اند. با وجود این، به نظر می رسد که مهم ترین نقدی که بر این پژوهش ها وارد است این است که عمدتاً بر مطالعه اسنادی و کتابخانه ای استوار هستند و در واقع موفق به مقایسه گفتمان حاکم بر سیاست گذاری در حوزه خانواده با وضعیت عینی و انضمامی خانواده ایرانی نشده اند.

۵. چارچوب نظری پژوهش ها

ماتریس زیر نظریه هایی که در پژوهش های مختلف به عنوان چارچوب نظری استفاده شده اند و همچنین فراوانی استفاده از هر یک از آنها را نشان می دهد.

Code System	مقا...	پایان نامه ها	SUM
چارچوب نظری			0
نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت			3
نظریه گذار جمعیتی اول و دوم			1
نظریه فردگرایی اولریش بک			1
نظریه فردگرایی گیدنز			2
نظریه مبادله			3
نظریات فمینیستی			6
نظریات مارکسیستی			1
کنش متقابل نمادین			2
کارکردگرایی			13
نظریه های سیاست های تحکیم خانواده			1
SUM	23	10	33

شکل ۱: ماتریس کدهای چارچوب نظری پژوهش‌های مرور شده

همان‌طور که در ماتریس فوق مشخص شده است، نظریه‌های مختلفی در پژوهش‌های مرور شده استفاده شده است؛ نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت در پژوهش‌هایی که تغییرات فرهنگی و ارزشی را مطالعه کرده‌اند مورد استفاده بوده است، نظریه مبادله نیز یکی از نظریه‌هایی است که برای بررسی تغییرات تعاملات کنشگران اجتماعی در خانواده در سطح خرد مورد استفاده قرار گرفته است و سایر نظریه‌هایی که در شکل فوق مشخص شده است نیز در برخی پژوهش‌ها مورد استفاده بوده‌اند. اما مهم‌ترین نظریه‌هایی که چارچوب نظری پژوهش‌های حوزه خانواده را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: نظریه کارکردگرایی (به‌ویژه نظریه تفکیک نقش‌های پارسونز) و نظریه‌های فمینیستی که برای تحلیل ساختار قدرت در خانواده استفاده شده‌اند. در ادامه به‌صورت مختصر این دو تئوری شرح داده شده است.

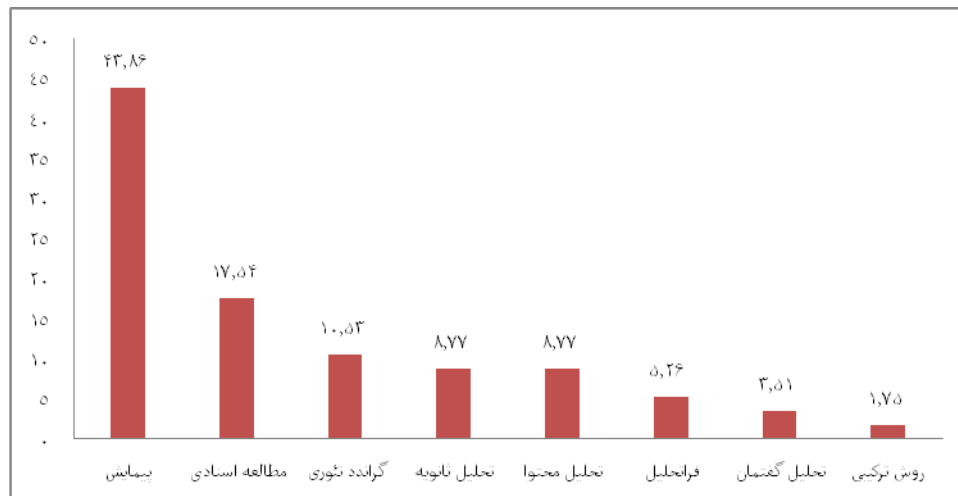
نظریه تفکیک نقش‌های پارسونز: پارسونز با بررسی خانواده هسته‌ای در قرن بیستم معتقد است که ساختار خانواده، حاصل تمایزپذیری و تفکیک در دو محور «سلسله مراتب قدرت» و «نقش‌های ابزاری در مقابل نقش‌های احساسی-عاطفی» است. از نظر وی تفاوت نقش زن و شوهر در خانواده ناشی از تفاوت‌های زیستی آنها است. نقش مرد، ابزاری و نقش زن، احساسی-عاطفی است. زنان بنابر وضعیت بیولوژیک خود در تولید مثل، گزینه پرورش دیگران را دارند که این گزینه آنها را برای ایفای نقش احساسی در خانواده هسته‌ای شایسته می‌سازد. زنان با توجه به این ویژگی‌ها، عهده‌دار نقش همسری و مادری بوده و وظیفه حمایت عاطفی از خانواده را برعهده دارند، درحالی‌که مردان به علت توانایی‌های جسمی خود باید عهده‌دار تأمین معاش و امور اقتصادی خانواده باشند و از آنجایی که قدرت مالی در دست

مردان است، از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده برخوردار خواهند بود. (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۴؛ زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲).

نظریه‌های فمینیستی: دیدگاه‌های فمینیستی کاملاً در مقابل کارکردگرایی طرح می‌شود و هیچ ویژگی ذاتی و طبیعی برای زنان قائل نیستند. اساس نظریه فمینیست‌ها در نابرابری جنسیتی بر این اصل استوار است که زنان در جامعه در موقعیت نابرابری نسبت به مردان قرار دارند. زنان نسبت به مردان دسترسی کمتری به منابع مالی، شغلی، قدرت و فرصت خویش‌تن‌یابی دارند و این نابرابری نتیجه سازماندهی جامعه است نه اینکه منشاء بیولوژیکی داشته باشد. فمینیست‌ها معتقدند که ساختار قدرت موجود در خانواده هسته‌ای تشدیدکننده این نابرابری‌ها است. خانواده جایی است که زن باید مطیع باشد و نقش وی از پیش تعیین شده است (عباداللهی و دیگران، ۱۳۹۲؛ مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲).

۶. روش‌شناسی مورد استفاده در پژوهش‌ها

در پژوهش‌های حوزه خانواده روش‌های مختلفی برای انجام پژوهش‌ها استفاده شده است. نمودار زیر درصد فراوانی هر یک از روش‌های استفاده شده در پژوهش‌های مرور شده را نشان می‌دهد.



نمودار ۶: روش‌شناسی استفاده شده در پژوهش‌های مرور شده

همان‌طور که در نمودار فوق نمایش داده شده است، پیمایش پرکاربردترین روش مورد استفاده در پژوهش‌های حوزه خانواده است. حدود نیمی از پژوهش‌های مرور شده (۴۴ درصد) از این روش برای انجام پژوهش خود استفاده کرده‌اند. پس از پیمایش، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با حدود ۱۸ درصد پرکاربردترین روش است. از میان پژوهش‌های مرور شده تنها یک پژوهش با استفاده از روش ترکیبی هدایت شده است و همچنین تحلیل گفتمان نیز جزء روش‌های کم کاربرد در حوزه مطالعات خانواده

است؛ این در حالی است که مطالعه گفتمان حاکم در سیاست‌گذاری در حوزه خانواده می‌تواند یکی از جدی‌ترین موضوعات برای مطالعه در حوزه خانواده باشد. در ادامه تلاش شده است به صورت مختصر روش پیمایش به عنوان پرکاربردترین روش در پژوهش‌های مرور شده و نحوه استفاده از آن، شرح داده شود.

پیمایش: پژوهش پیمایشی احتمالاً بهترین روش موجود برای آن دسته از پژوهشگران اجتماعی است که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌ها برای توصیف جمعیت‌های بزرگی هستند که نمی‌توان به صورت مستقیم مشاهده کرد. همچنین از پیمایش برای هدف‌های توصیفی، اکتشافی و تبیینی برای سنجش نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها در جمعیت‌های بزرگ استفاده می‌شود. تحقیق پیمایشی روشی است برای گردآوری داده‌ها که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص (که برای همه افراد یکسان است) پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۹۹). به عبارت دیگر، پیمایش به ما این امکان را می‌دهد که صفت و ویژگی هر مورد را بر حسب هر متغیر گردآوری کنیم. پیمایش را می‌توان در زمره پژوهش‌های پهنانگر قرار داد که امکان بررسی تعداد زیادی از افراد را به پژوهشگر می‌دهد (دواس، ۱۳۸۷: ۱۴). استفاده از روش پیمایش در حوزه مطالعات خانواده نیز همواره با هدف سنجش رابطه میان متغیرهای مشخصی مثل رابطه نوسازی با ساختار قدرت بر خانواده، یا بررسی اثر تحصیلات و اشتغال زنان بر تقسیم کار جنسیتی در خانواده، استفاده شده است.

۷. یافته‌های اصلی پژوهش‌های بررسی شده

در این قسمت تلاش شده است یافته‌های اصلی در رابطه با پژوهش‌های مرور شده در قالب یک ماتریس نمایش داده شود. این شکل نشان می‌دهد پرتکرارترین یافته‌ها در پژوهش‌های تجربی چه بوده است. علاوه بر این، می‌توان زمینه‌ها و عوامل اصلی شکل‌گیری تغییرات خانواده ایرانی را از این نمودار استنباط کرد.

Code System	مقا...	پایان نامه ها	SUM
یافته های اصلی			0
اثر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر ارزش های خانواده	■	■	7
مدرن شدن الگوها و معیارهای همسرگزینی	■	■	6
اثر استفاده از رسانه و تغییرات تکنولوژیک بر تغییرات خانواده	■	■	5
جایگاه زنان در هرم قدرت متأثر از تحصیلات و وضعیت اشتغال آنان است	■	■	8
مناسبات خانواده بازتاب مناسبات اجتماعی است	■		1
رشد روند فردگرایی در خانواده ایرانی	■		2
فرآیندهای نوسازی سبب تغییرات ارزشی در خانواده شده است	■	■	7
کاهش پابندی نسل جوان به آداب و رسوم ازدواج	■		1
تأثیر میزان استفاده از رسانه های متکتوب بر آگاهی زنان از حقوقشان	■		1
نگرش نسبت به خانواده تحت تأثیر ساختار فرهنگی جامعه	■		1
گرایش اولویت های ارزشی به سمت ارزش های مادی	■		1
جهانی شدن زمینه ساز تغییرات ارزشی در خانواده	■		1
صنعتی شدن سبب تغییرات ارزشی در خانواده	■		1
ضرورت اتخاذ رویکرد جامعه محور در حوزه سیاست گذاری خانواده	■		1
ضرورت شناسایی وضع موجود خانواده در سیاست گذاری	■		1
محدودیت دسترسی به عدالت توسط زنان در نظام قضایی ایران	■	■	1
نوآوری های شکلی در رسیدگی به دعاوی خانواده	■		1
وجود الگوی ریاستی مرد در حقوق خانواده ایرانی	■		1
تحول فلسفه حقوق خانواده از حقوق کامجویانه به حقوق عاشقانه	■		1
نقش حمایتی دولت در جهت طلاق زدایی نه تسهیل قانونی طلاق	■		1
لزوم تأمین نیازهای اولیه جوانان برای ازدواج توسط دولت	■		1
SUM	40	10	50

شکل ۲: یافته‌های اصلی پژوهش‌های مرور شده

همان‌طور که در ماتریس فوق نمایش داده شده است، طیف گسترده‌ای از یافته‌ها از پژوهش‌های مرور شده استخراج شده است که در میان آنها سه مورد دارای فراوانی بیشتری هستند و مهم‌تر تلقی می‌شوند. این سه مورد عبارت‌اند: ۱. جایگاه زنان در هرم قدرت متأثر از تحصیلات و وضعیت اشتغال آنان است؛ ۲. فرآیندهای نوسازی سبب ایجاد تغییرات ارزشی در خانواده ایرانی شده است؛ ۳. پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر ارزش‌های خانواده مؤثر است. در ادامه تلاش شده است هر یک از این یافته‌ها به‌صورت مختصر شرح داده شود.

اثر تحصیلات و اشتغال بر جایگاه زنان در هرم قدرت: پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که هر اندازه تحصیلات زنان و مشارکت آنها در بازار کار افزایش یابد، جایگاه آنها در هرم قدرت خانواده بالاتر می‌رود. به عبارت دیگر، هر چه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‌رود الگوی سنتی ساختار اقتدارگرایانه در خانواده و نقش ریاستی مرد کم‌رنگ‌تر می‌شود، روابط زناشویی مبتنی بر تعامل می‌گردد و موقعیت زنان درون خانواده ارتقاء می‌یابد. همزمانی تحصیلات بالا برای زنان و مشارکت آنان در بازار کار سبب می‌شود که آنان استقلال اقتصادی خود از مردان را بدست بیاورند و مطالبه ساختاری مبتنی بر برابری در خانواده را طرح نمایند. در واقع، پژوهش‌ها نشان می‌دهند هر اندازه تحصیلات زنان و میزان

اشتغال آنها افزایش می‌یابد، نسبت به ساختارهای سنتی روابط زناشویی و تقسیم کار جنسیتی بازاندیشی می‌نمایند. همچنین در چنین خانواده‌هایی ساختار قدرت مبتنی بر تصمیم‌گیری مشارکتی می‌شود (مردانی و موحد، ۱۳۹۵؛ میرزایی و دیگران، ۱۳۹۴؛ ساروخانی، ۱۳۸۴).

اثر فرآیندهای نوسازی بر تغییرات ارزشی خانواده: یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش‌های مرور شده مربوط به این است که خانواده ایرانی در مواجهه با مدرنیته دچار تغییرات ارزشی شده است. پس از ورود و تداوم حضور پدیده نوسازی به ایران، نهاد خانواده در ابعاد مختلف تغییراتی را تجربه کرده است که از مهم‌ترین آنها سنت‌زدایی، تضعیف روابط خویشاوندی، توانمندسازی زنان، افزایش درک و آگاهی و استقلال اقتصادی است (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸ ب). پژوهش‌های دیگری نیز تغییر در قواعد ازدواج، انتظارات نقشی درون خانواده و الگوهای همسرگزینی را ناشی از پدیده نوسازی می‌دانند (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۲). بررسی نوسازی در سطح کلان و متغیرهایی چون صنعتی شدن، جدایی حوزه کار و خانواده، شهرنشینی، مهاجرت، گسترش آموزش و افزایش تحصیلات نشان می‌دهد که تغییراتی که ناشی از نوسازی در نهادهای اقتصاد، سیاست و اجتماع رخ داده است سبب تغییرات گسترده‌ای در نهاد فرهنگ و خانواده شده است و از این رو می‌توان نوسازی را عامل اثرگذار بر تغییرات خانواده ایرانی دانست (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۸۲؛ زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳).

اثر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر ارزش‌های خانواده: برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هر اندازه پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده بالاتر باشد، پیروی از ارزش‌های دموکرات بیشتر می‌شود. یافته‌های این پژوهش‌ها قرابت زیادی با پژوهش‌هایی دارند که نشان می‌دهند تحصیلات و اشتغال جایگاه زنان را در هرم قدرت خانواده افزایش می‌یابند. اما باید توجه داشت که پایگاه اجتماعی-اقتصادی شامل وضعیت سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده می‌شود و از این رو متغیرهای دیگری علاوه بر تحصیلات و اشتغال نیز سنجیده می‌شود. علاوه بر این، در اینجا متغیر وابسته عمدتاً ارزش‌های خانواده است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌های خانواده را دموکرات‌تر می‌کند و جایگاه زنان و مردان در نظام تصمیم‌گیری برابرتر می‌شود (زارعی قبادی، ۱۳۹۱؛ مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲).

نتیجه‌گیری

پیش از این نیز نشان داده شد که بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه مطالعات خانواده مبتنی بر چند محور اصلی صورت گرفته است. براساس فرا تحلیل کیفی و مرور نظام‌مند صورت گرفته، به نظر می‌رسد که بتوان از پژوهش‌های مرور شده در سه محور موضوع و مسئله اصلی، چارچوب نظری و روش-

شناسی به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری انتقادی دست یافت. در ادامه هر یک از این سه محور جمع‌بندی و ارزیابی شده‌اند.

در رابطه با موضوع و مسئله اصلی پژوهش‌های مرور شده، دو نکته قابل توجه است. نکته اول این که اولاً مطالعه و بررسی حقوق خانواده از منظر جامعه‌شناسی حقوق نقطه خلاء عمده در مطالعات خانواده در ایران است. ارزیابی پیامدهای اجتماعی نهاد حقوق یا بررسی زمینه اجتماعی حقوق خانواده در زمره موضوعاتی است که تقریباً می‌توان گفت هیچ پژوهشی در رابطه با آن در ایران انجام نشده است. مسئله سیاست‌گذاری در حوزه خانواده نیز سرنوشتی مشابه داشته است و از نحیف‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در ایران است. علی‌رغم مطالعات گسترده‌ای که در رابطه با نهاد خانواده در کشور ما انجام شده است، پژوهش‌هایی انگشت شمار می‌توان یافت که به تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی در رابطه با خانواده پرداخته باشند. این در حالی است که تنظیم روابط اجتماعی درون خانواده، حفظ ساختار سنتی خانواده و کنترل و مدیریت مسائل مبتلابه نهاد خانواده همچون طلاق همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. علی‌رغم تأثیرات گسترده این سیاست‌ها بر زیست جهان کنشگران اجتماعی، حلقه مفقوده مطالعات جامعه‌شناختی در ایران را می‌توان همین نقد و تحلیل قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران دانست.

دومین نکته در رابطه با مسائل اصلی پژوهش‌های مرور شده این است که برخی مسائل و موضوعات به مطالعات خانواده در ایران وارد نشده است. از جمله موضوعات و مسائل مهجور در حوزه خانواده می‌توان مطالعه «صمیمیت»^۱ و «روابط ناب»^۲ را نام برد. در کشور ما کمتر مطالعه‌ای در این حوزه انجام شده است؛ این در حالی است که مطالعه صمیمیت و روابط ناب یکی از موضوعاتی است که در حوزه مطالعات متأخر خانواده طرح شده است. یکی از مهم‌ترین متفکران این حوزه نیز آنتونی گیدنز^۳ است که در دو کتاب «تجدد و تشخص»^۴ (1991/2013) و «دگردیسی صمیمیت»^۵ (1993/2013) به این موضوعات پرداخته است. گیدنز به‌ویژه در کتاب دگردیسی صمیمیت به مطالعه نحوه تغییر روابط صمیمی در جوامع مدرن می‌پردازد. وی در این کتاب استدلال می‌کند که اگر در گذشته تشکیل خانواده با نهاد اقتصاد و پیگیری اهداف اقتصادی مرتبط بود، امروزه عشق رمانتیک^۶ و جاذبه سکسوال^۷ مبنای تشکیل زندگی مشترک شده است. به نظر وی، امروزه ماندن در یک رابطه تبدیل به امری انتخابی شده است و

1 Intimacy

2 Pure Relationships

3 Antony Giddens

4 Modernity and Self-identity

5 The Transformation of Intimacy

6 Romantic Love

7 Sexual Attraction

افراد به یک رابطه ادامه می‌دهند چون آن را ارزشمند می‌یابند. در واقع، مطالعه فرایندهای وقوع این تغییر و تحولات در روابط صمیمی به لحاظ تاریخی، مطالعه پیامدهای پنهان ابتدای تشکیل زندگی مشترک بر عشق رمانتیک، شناخت اشکال نوپدید خانواده و همچنین جایگزین‌های خانواده موضوعاتی است که در حوزه خانواده به صورت جدی طرح شده است، اما در ایران کمتر به آنها توجه شده است. به عبارتی، اگرچه ما مطالعات زیادی در رابطه با تغییر ساختار قدرت در خانواده ایرانی انجام داده‌ایم، اما در رصد و شناسایی تحولات روابط متقابل کنشگران اجتماعی موفق نبوده‌ایم. این مسئله تا حد زیادی از این واقعیت ناشی می‌شود که ما همواره خانواده را به عنوان یک نهاد جدای از کنشگران آن تلقی کرده‌ایم. به عبارت دیگر، نگرش پوزیتیویستی همواره بر طرح مسئله در حوزه خانواده در کشور ما سایه افکنده است. این در حالی است که متفکرانی چون گیدنز که کنش و ساختار را در هم تنیده می‌بینند، همواره تحلیل آنها بین سطوح خرد و کلان در حرکت است. بنابراین، به نظر می‌رسد در مطالعات خانواده ایرانی، می‌توان مطالعه صمیمیت و روابط ناب را به صورتی جدی‌تر دنبال کرد و لازم است این مطالعات از یک نظرگاه یا پارادایم جدید انجام شود.

دومین محوری که می‌توان پژوهش‌های بررسی شده را براساس آن ارزیابی نمود، چارچوب نظری پژوهش‌های انجام شده است؛ همان‌طور که نشان داده شد بخش قابل توجهی از مطالعات حوزه خانواده مبتنی بر رویکرد کارکردگرایانه انجام شده‌اند. هرچند پژوهشگران با استفاده از نظریه‌های فمینیستی کوشیده‌اند تا حدودی از تک‌بعدی بودن پژوهش‌هایشان جلوگیری نمایند، اما همچنان دیدگاه‌های نظری دیگری مغفول مانده‌اند. برای مثال، بررسی مسائل خانواده از منظر رویکرد تضاد یکی از نحیف‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در حوزه خانواده است. نظریه‌های مارکسیستی و انتقادی حداقل در جریان رسمی - دانشگاهی پژوهش‌های اجتماعی خانواده نادیده گرفته شده‌اند و کمتر پژوهشی یافت می‌شود که از این نظرگاه به مطالعه خانواده ایرانی پرداخته باشد. این در حالی است که این دیدگاه نظری به خوبی می‌تواند به تحلیل انتقادی سیاست‌گذاری در حوزه خانواده یا تحلیل انتقادی تغییرات خانواده بپردازد.

نکته دیگری که در رابطه با چارچوب نظری پژوهش‌ها جالب توجه است این است که نظریه‌های تلفیقی که کنش و ساختار را در ارتباط متقابل با یکدیگر می‌دانند و تأثیر و تأثر آنها را تحلیل می‌کنند، کمتر مورد توجه پژوهش‌های موجود بوده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های نظری که در پژوهش‌ها نادیده گرفته شده است نظریه‌های صمیمیت آنتونی گیدنز، نظریه فردگرایی^۱ اولریش بک و نظریه عشق سیال^۲ زیگمونت باومن است. در رابطه با نظریه گیدنز پیش از این توضیح داده شد؛ دو

1 Individualization

2 Liquid Love

متفکر دیگر نیز به مانند گیدنز تحلیل‌های بدیعی در این حوزه ارائه می‌دهند. بک و بک-گرنشهایم^۱ (2002; 1995/2018) بر این باورند که فردگرایی در دنیای مدرن سبب شده است که مشخصه دوران ما تصادم علائق میان خانواده، کار، عشق، آزادی و پیگیری اهداف فردی باشد. این تصادم یا برخورد وقتی جدی‌تر می‌شود که سهم زنان از بازار کار افزایش یافته است و آنها نیز تمایل به پیگیری اهداف و نیازهای فردی و حرفه‌ای خود متمایل شده‌اند. باومن^۲ (2003/2013) دیدگاه ویژه‌ای را درباره تغییرات پیوندهای انسانی دارد و معتقد است که ویژگی اصلی آنها در دوران ما «شکندگی» است. این شکندگی احساس ناامنی را به همراه دارد. در واقع از نظر وی زندگی ما همواره میان آزادی و امنیت در نوسان است و این امر روابط افراد و زندگی مشترک و به تبع آن خانواده را متأثر ساخته است. به نظر می‌رسد این دیدگاه‌های نظری در مطالعات حوزه خانواده در ایران نادیده گرفته شده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش‌های مرور شده نیز سومین محور مورد بحث است. نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌های حوزه خانواده با استفاده از روش پیمایش به انجام رسیده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد پارادایم پوزیتیویستی بر پژوهش‌های این حوزه حاکم است. این پژوهش‌ها عمدتاً درصدد سنجش اثر برخی متغیرهای مستقل بر تغییرات خانواده هستند و خانواده را به عنوان یک نهاد بیرون از کنشگران اجتماعی در نظر می‌گیرند که منطق تغییر و تحول خاص خود را دارد. در همین نمودار نشان داده شده است که تنها حدود ۱۰ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های کیفی انجام شده‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد اتیک (نگاه از بیرون به پدیده) بر این حوزه مطالعاتی غلبه داشته است و رویکرد امیک (نگاه از درون به پدیده) مغفول و مهجور مانده است. در واقع، به همین سبب است که مسائلی چون روابط صمیمی، عشق و احساسات وجوه نادیده گرفته شده مطالعات حوزه خانواده در ایران است.

براساس توضیحات ارائه شده و ارزیابی انتقادی پژوهش‌های موجود، به نظر می‌رسد برای پر کردن خلاء دانش موجود در این حوزه مطالعاتی، باید بر سه نکته اصلی تأکید کرد:

۱. به لحاظ موضوع و مسئله تأکید از نهاد خانواده به مفهوم روابط صمیمی، عشق رمانتیک، فردگرایی و دموکراتیک شدن روابط زناشویی انتقال یابد که در واقع سنگ‌بنای خانواده امروزی است و نشان‌دهنده نقش کنشگر اجتماعی در تعریف و بازتعریف نهادهای اجتماعی است.
۲. به لحاظ چارچوب نظری، نظریه‌های انتقادی مثل نظریه هابرماس درباره استعمار زیست جهان توسط نظام استفاده شود و همچنین برای تحلیل خانواده و تغییرات آن با استفاده از نظریه‌های متأخر آنتونی گیدنز، اولریش بک و زیگمونت باومن انجام گیرد. علاوه بر این، دیدگاه‌های

1 Beck and Beck-Gernsheim

2 Bauman

متفکران متأخر که حوزه تخصصی آنها نطالعات خانواده است، مثل دیوید چیل، گری بکر، اریک وایدمر و دیگران مورد بررسی و مذاقه بیشتر قرار گیرد.

۳. به لحاظ روش‌شناختی بر رویکردهای انتقادی و تفسیری تمرکز شود. انجام مطالعات کیفی و پژوهش‌هایی که با روش‌های ترکیبی ساماندهی می‌شوند در این حوزه ضروری می‌نماید.

منابع

- احمدی، وکیل، وحید قاسمی و شهلا کاظمی پور (۱۳۹۱). «بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده»، فصلنامه مطالعات زنان، سال دهم، شماره ۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). «جامعه‌شناسی خانواده (با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)»، تهران: انتشارات روشنگران.
- ایزانلو، بلال و مجتبی حبیبی (۱۳۹۰). «کاربرد فرا تحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۹، شماره ۱.
- آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری نیا (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳.
- آزاد ارمکی، مهناز زند و طاهره خزاعی (۱۳۸۱). «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵.
- باومن، زیگمونت (۱۳۹۶). «عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی»، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم.
- بی، ارل (۱۳۸۱). «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، جلد دوم.
- بی، ارل (۱۳۸۸). «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- بیکر، ترز ال (۱۳۸۶). «نحوه انجام تحقیقات اجتماعی». ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- جنادله، علی و مریم رهنما (۱۳۹۳). «دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی)»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دهم، شماره ۳۹.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). «خانواده‌ها در دنیای امروز»، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- حسینی، سیدحسن و مینا عزیزی (۱۳۹۴). «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۷). «پیمایش در تحقیقات اجتماعی». ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

- رجب نژاد، مریم، آرمین شیروانی و شهاب خزانه‌داری (۱۳۸۵). «مرور نظام‌مند شواهد»، مرکز تعالی دانشگاه، دفتر تعالی خدمات بالینی، دانشگاه شهید بهشتی.
- زارعی قبادی، زهرا (۱۳۹۱). «مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهرستان هرسین با تأکید بر ساختار قدرت در خانواده»، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- زاهدی، محمدجواد و حسین نازک تبار (۱۳۹۳). «نوسازی و دگرگونی بحران ساز در خانواده (بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازندران)»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره ۳.
- زاهدی، محمدجواد و عمر خضرنژاد (۱۳۹۲). «نوسازی و فرایند تحول ارزش ها در حوزه خانواده»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱.
- زاهدی، محمدجواد، هوشنگ نائی، پروانه دانش و حسین نازک تبار (۱۳۹۴). «تبیین جامعه شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). «زن، قدرت و خانواده: پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۲.
- ساروخانی، باقر، امیدعلی احمدی و داود صفا (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان الگوی خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی»، پژوهش‌نامه زن و خانواده، سال چهارم، شماره ۷.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۲.
- سگال، مارتین (۱۳۹۳). «جامعه شناسی تاریخی خانواده»، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- شکوری، علی و تقی آزاد ارمکی (۱۳۸۱). «مدرنیته و خانواده تهرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- عباداللهی، حمید، حانیه مددی، سجاد مرادی (۱۳۹۲). «بررسی ساختار قدرت در خانواده بر هویت بازاندیشانه زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۶.
- قاسمی، وحید و فاطمه عمرانیان (۱۳۹۱). «سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده براساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۲.
- قانع‌راد، محمدمین و فاطمه عزلتی مقدم (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
- کاوسی، زهرا (۱۳۹۲). «بررسی ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با خشونت با تأکید بر موقعیت زنان»، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی جنسیت»، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). «تجدید و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید». ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳). «خانواده در قرن بیست و یکم»، تهران: نشر علم.
- محمدپور، احمد، رسول صادقی، مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸ب). «سنت، نوسازی و خانواده»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۴.
- محمدپور، احمد، مهدی رضایی، لطیف پرتوی و سول صادقی (۱۳۸۸الف)، «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای»، خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۳)، «الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی»، پژوهش‌نامه زنان، سال پنجم، شماره ۲.
- مردانی، مرضیه و مجید موحد (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره سوم، شماره ۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵»، قابل دسترسی در سایت این مرکز.
- مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، فصلنامه مطالعات زنان، سال اول، شماره ۲.
- میرزایی، حسین، توکل آفایاری و مهناز کاتبی (۱۳۹۴). «بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهر تبریز»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول.
- همدانیان، فاطمه (۱۳۹۶). «مطالعه دسترسی زنان به عدالت خانوادگی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری در رشته مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bauman, Z. (2003/2013). *Liquid Love: On the Frailty of Human Bonds*, Wiley.
- Baus, A. (2002). *How to conduct a Meta- Analysis*, available at <http://www.pitt.edu/suprt1/lecture/lce1171>.
- Beck, U. and E. Beck-Gernsheim (1995/2018). *The Normal Chaos of Love*, Wiley.
- Beck, U. and E. Beck-Gernsheim (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and Its Social and Political Consequences*, SAGE Publications.
- Bernard, J. (1981). *The good provider role: its rise and fall*. *American Psychologist*, 36:1-12.
- Connell, R. W. (1985). *Theorizing gender*. *Sociology* 19: 260-272.

Giddens, A. (1991/2013). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Wiley.

Giddens, A. (1993/2013). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies*, Wiley.

Lundberg, S, Pollak, Robert A. (2007). The American Family and Family Economics. *Journal of Economic Perspectives*, Volume 21, Number 2: pp. 3-26.

Parsons, T. (2005). *The Social System*. Routledge.

Spitze, G. (1988). Women's employment and family relations: A review. *Journal of Marriage and the Family*, 50:595-618.

Wolf, F. (1986). *Meta-analysis: Quantitative methods for research synthesis*, Beverly Hills CA: Sage.

پیوست: لیست پژوهش‌های بررسی شده در فراتحلیل^۱

ردیف	نویسنده (نویسندگان)	سال انجام	عنوان و محل انتشار
۰۱	محمد کریم منصوریان، فرحناز قادری	۱۳۸۱	عوامل موثر بر ساخت قدرت در خانواده؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱
۰۲	عل شکوری و تقی آزاد ارمکی	۱۳۸۱	مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان؛ دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱.
۰۳	محمدصادق مهدوی و حبیب صبوری	۱۳۸۲	بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده؛ فصلنامه مطالعات زنان، سال اول، شماره ۲.
۰۴	تقی آزاد ارمکی، مهناز زند، طاهره خزاعی	۱۳۸۲	روند تغییرات فرهنگی-اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل؛ فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵.
۰۵	باقر ساروخانی	۱۳۸۴	زن، قدرت و خانواده: پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده؛ فصلنامه پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۲.
۰۶	باقر ثنائی	۱۳۸۴	کلیات سنجش خانواده و ازدواج؛ فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد چهارم، شماره ۱۴.
۰۷	حسن سرایی	۱۳۸۵	تداوم و تغییر در جریان گذار جمعیتی ایران؛ نامه انجمن جمعیت-شناسی ایران، شماره ۲.
۰۸	حسن جعفری تبار	۱۳۸۵	حقوق عاشقانه علیه حقوق کامجویانه: گفتاری در فلسفه حقوق خانواده؛ فصلنامه حقوق، دوره سی و هشت، شماره ۱.
۰۹	سعیده گروسی	۱۳۸۵	بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده؛ پایان نامه برای دریافت درجه دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه شیراز.
۰۱۰	احمد محمدپور، مهدی رضایی، لطیف پرتوی، رسول صادقی	۱۳۸۸	بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای؛ فصلنامه خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹.
۰۱۱	احمد محمدپور، رسول صادقی، مهدی رضایی، لطیف پرتوی	۱۳۸۸	سنت، نوسازی و خانواده؛ فصلنامه پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۴.
۰۱۲	لیلا یزدانپناه	۱۳۸۸	بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهر تبریز و عوامل موثر بر آن؛ پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه باهنر کرمان.
۰۱۳	محمدامین قانع‌راد و فاطمه عزلتی مقدم	۱۳۸۹	بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج؛ فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
۰۱۴	تقی آزاد ارمکی، مصطفی ظهیری‌نیا	۱۳۸۹	بررسی سنجش‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده؛ فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳.
۰۱۵	ایرینه اشنایدر، ضحی سوادکوهی‌فر، سیدعلی کاظمی	۱۳۸۹	پیشرفت‌های اخیر در قانون خانواده افغانستان؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۲.
۰۱۶	عمر خضرنژاد	۱۳۸۹	بررسی ارزش‌های سنتی-مدرن در حوزه خانواده؛ پایان‌نامه برای

۱ پژوهش‌ها به ترتیب سال انجام آن‌ها ارائه شده است.

دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه پیام نور تهران.			
۱۷. بررسی ریشه‌های ساختار مردسالارانه در خانواده ایرانی؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تبریز.	۱۳۸۹	زهرا خضری	
۱۸. بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده؛ مطالعات زنان، سال دهم، شماره ۱.	۱۳۹۰	وکیل احمدی، وحید قاسمی، شهلا کاظمی‌پور	
۱۹. مقایسه بین نسلی سرمایه‌ها و فرصت‌های زندگی زنان و بازنمایی آنها در سبک زندگی زنان؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شیراز.	۱۳۹۰	مریم سروش	
۲۰. بررسی تاثیر ساختار قدرت در خانواده بر هویت بازاندیشانه زنان؛ فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۶.	۱۳۹۱	حمید عبداللهی، حانیه مددی، سجاد مرادی	
۲۱. بررسی و تحلیل سیر تاریخی سیمای خانواده در رمان فارسی از ابتدا تا دهه ۵۰؛ مجله تاریخ ادبیات، شماره ۳.	۱۳۹۱	مریم عاملی رضایی	
۲۲. تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده؛ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳.	۱۳۹۱	محمدتقی کرمی قهی	
۲۳. سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده براساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات؛ فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۲.	۱۳۹۱	وحید قاسی، فاطمه عمرانیان	
۲۴. شناسایی شاخص‌های قدرت در خانواده به روش تحقیق کیفی؛ فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱.	۱۳۹۱	بیوک محمدی	
۲۵. هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران؛ فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱.	۱۳۹۱	تقی آزاد ارمکی، محمدحسین شریفی ساعی، مریم ایثاری، سحر طالبی	
۲۶. مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهرستان هرسین با تأکید بر ساختار قدرت در خانواده؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه خوارزمی.	۱۳۹۱	زهرا زارعی قبادی	
۲۷. جهانی شدن و تأثیرات آن بر ارزش‌های زناشویی و روابط خانوادگی؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد تهران مرکزی.	۱۳۹۱	مرتضی قلیچ	
۲۸. سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه علامه طباطبایی.	۱۳۹۱	منصوره زارعان	
۲۹. بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز؛ کج‌له علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره بهار و تابستان ۱۳۹۴.	۱۳۹۲	حسین میرزایی، توکل آقاییاری، مهناز کاتبی	
۳۰. تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده؛ فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱.	۱۳۹۲	محمدجواد زاهدی، هوشنگ نائی، پروانه دانش، حسین نازک‌تبار	

۳۱	محمدجواد زاهدی و عمر خضرنژاد	۱۳۹۲	نوسازی و فرآیند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده (بررسی نمونه‌ای دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱.
۳۲	زهرا کاوسی	۱۳۹۲	بررسی ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با خشونت با تأکید بر موقعیت زنان؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه خوارزمی.
۳۳	بیوک محمدی	۱۳۹۳	الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی؛ پژوهش-نامه زنان، سال پنجم، شماره ۲.
۳۴	علی جنادله و مریم رهنما	۱۳۹۳	دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی)؛ فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دهم، شماره ۳۹.
۳۵	فاطمه حاجیان مقدم	۱۳۹۳	فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی؛ پژوهش‌نامه زنان، سال پنجم، شماره ۱.
۳۶	محمدجواد زاهدی و حسین نازک‌تبار	۱۳۹۳	نوسازی و دگرگونی‌های بحران‌ساز در خانواده (بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازنداران)؛ فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره ۳.
۳۷	مریم اسکافی	۱۳۹۳	اثر شبکه‌های اجتماعی در طلاق عاطفی؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
۳۸	نعیما محمدی و خان‌محمد اسکانی	۱۳۹۴	بررسی جامعه‌شناختی ساختار خانواده بر سلامت اجتماعی مردان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۴.
۳۹	امیر ملکی، علی ربیعی، عالیه شکریبگی، قادر بالاخانی	۱۳۹۴	بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، شماره ۶۹.
۴۰	سیدحسن حسینی، مینا عزیزی	۱۳۹۴	بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره چهارم، شماره ۱.
۴۱	فرج الله هدایت	۱۳۹۴	تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی در حقوق خانواده ایران؛ فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۴۲	مجید صفاری‌نیا	۱۳۹۴	رویکرد کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس به موازین بین‌المللی حقوق خانواده؛ فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره ۳.
۴۳	معصومه قاراخانی	۱۳۹۴	شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی؛ فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره بیست‌ودوم، شماره ۲.
۴۴	رزیتا امانی	۱۳۹۴	مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده؛ فصلنامه زنان و خانواده، سال دهم، شماره ۳۲.
۴۵	محمد آقاسی و فاطمه فلاح	۱۳۹۴	نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده؛ پژوهش‌نامه زنان، سال ششم، شماره ۱.
۴۶	محمد مهدی قبولی و سعید	۱۳۹۴	نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات

شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی؛ پژوهش‌نامه زنان، دوره ششم، شماره ۲.	محسنی	
ویژگی خانواده مستحکم ایرانی: مرور پژوهش‌های انجام شده طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۸۹؛ زن در فرهنگ و هنر، دوره هفتم، شماره ۱.	فاطمه حاجیان مقدم، غلامرضا غفاری، رضا صالحی امیری	۱۳۹۴
مقایسه معیارهای همسرگزینی در بین افراد متأهل و جدانشده و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آن؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد تهران مرکزی.	محمدرضد سلیمانی بشلی	۱۳۹۴
بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده؛ دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، سال سوم، شماره ۸.	مرضیه مردانی و مجید موحد	۱۳۹۵
تحلیل گفتمان الگوی خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی؛ پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال چهارم، شماره ۷.	باقر ساروخانی، امیدعلی احمدی، داود صفا	۱۳۹۵
تحلیل و ارزشیابی سیاست‌گذاری در زمینه خانواده با تکیه بر طرح شکوفه‌های عشق؛ دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، سال سوم، شماره ۷.	احمد غیاثوند	۱۳۹۵
رابطه الگوهای حقوقی اداره خانواده با حقوق مالی زوجین؛ فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل‌ونهم، شماره ۲.	علیرضا علی‌پناه، محمد صادقی، مصطفی شفیع‌زاده	۱۳۹۵
مدرنیته و ساختار سنتی خانواده ایرانی؛ دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۸۲.	جهانگیر صفری، کاظم موسوی، اسماعیل صادقی، ابراهیم ظاهری	۱۳۹۵
اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن؛ پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.	عباسعلی یزدانی و سیمین دوستی	۱۳۹۶
مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی؛ مطالعات زن و خانواده، دوره پنجم، شماره ۱.	ماریا محمدی و محمد رضایی	۱۳۹۶
مطالعه دسترسی زنان به عدالت خانوادگی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری مطالعات زنان در دانشگاه تربیت مدرس.	فاطمه همدانیان	۱۳۹۶
شناسایی تجارب همسران از مفهوم همسر ایده‌آل براساس مطالعه-ای پدیدارنگارانه؛ پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری رشته مشاوره در دانشگاه خوارزمی.	حمیده هادی تبار	۱۳۹۶

Qualitative meta-analysis of research on the context and factors of changes in the Iranian family

Abstract

The Iranian family has undergone many changes in recent decades. These changes have occurred in different aspects of the family including household size, marriage and divorce rates, the purpose of marriage, and so on. The aim of this study is to investigate the factors affecting family changes based on existing research in this area. The methodology of this study includes qualitative meta-analysis and systematic review. The target ~~group~~ is all research that has been published in the form of thesis and research papers. Data coding and analysis is done using MAXQDA software. In order to achieve the purpose of the present research, 57 studies in Iran from 2001 onwards were studied. Besides descriptive analysis, the reviewed documents were evaluated in different aspects. The findings of this study indicate that there are three main factors led to changes in the Iranian family: 1. The education and employment of women has promoted their status in the family power hierarchy; 2. Modernization processes have caused changes in the value system of the Iranian family. ; 3. The socio-economic status of the family affects the values of its members. At the end of the study, a critical conclusion and evaluation of the existing knowledge in the field of family studies in Iran have been presented and the weak points in this area that require further research are identified.

Key Words: Iranian Family, Power Structure, Socio-economic Status, Modernization, Qualitative Meta-analysis